

ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن*

هادی محمودی‌نژاد

مقدمه

امروزه توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روشهای ارتقاء آن، به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی حرفه‌مندان و تئوری پردازان شهری تبدیل شده است.^۱ جدای از اثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های امن شهری بر الگوهای رفتار شهروندی و بهبود کیفیت محیطی نواحی سکونتی، تبیین ویژگیها و اثرات مترتب بر نقش کالبدی شهر بر کاهش جرایم شهری و یا کاستن از وقوع جرم، موضوع مستقل و با اهمیتی است که در قالب تئوری‌های نوین شهرسازی بدان اشاره می‌شود. بنابراین توجه به نقش کالبدی شهر (برنامه‌ریزی و طراحی شهری) در کاهش و پیشگیری از جرایم شهری اهمیت اساسی دارد و بایستی مفاهیم، اصول، پارادایم‌ها و استراتژی‌های مربوط به آن، مورد اشاره قرار می‌گیرد. این امر از آن جهت دارای اهمیت است که امروزه در فرایندهای طراحی فضاهای شهری کمتر به پتانسیلهای بالقوه مناطق شهر و ساختمانها در کاهش یا جلوگیری از جرائم توجه می‌شود. رویکرد حاضر را می‌توان طراحی کارآمد و بهینه محیط مصنوع در کاهش جرائم شهری قلمداد کرد که در بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایتمندی شهروندی تاثیر بسزایی دارد. با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند توسعه شهری، می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از «احساس امنیت»^۲ در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی اهمیتی فزاینده دارد. از آنجا که امنیت، مولفه‌ای اساسی در «توسعه پایدار انسانی»^۳ به‌شمار می‌رود که افزایش «رضایتمندی شهروندی»^۴ و شکل‌گیری «سرمایه اجتماعی»^۵ را در ساختار شهری ممکن می‌کند، می‌بایستی علاوه بر سنجش میزان واقعی امنیت، به ارزیابی و

* وبلاگ کریتیسیزم. این مقاله نقدی است بر کتاب *ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن*، نوشته اسماعیل صالحی که در سال ۱۳۸۷ از سوی مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری منتشر شده است.

امکان دهی به شکل‌گیری مکان‌های امن شهری و در عین حال، مقوله «احساس امنیت» از دید شهروندان نیز التفات داشت. از سویی دیگر، با نگاهی به رشد و گسترش روند شهرنشینی، می‌توان دریافت که شهرنشینی دارای پیامدها و تبعات گوناگونی برای ساکنان است که در این میان امنیت و شکل‌گیری فضاهای امن شهری، دارای نقش اساسی در رضایتمندی شهروندی و مطلوبیت زندگی در قالب توسعه پایدار انسانی، بشمار می‌آیند. بدیهی است که بدون ایجاد امنیت، نمی‌توان انتظار کارایی ساختار شهری به مثابه سیستمی از اجزا و عناصر برای سکنی‌گزینی شهروندی و زندگی همراه با رفاه و کرامت انسانی، را داشت. در این میان بین «امنیت واقعی» و «احساس امنیت» ساکنان که از ادراک ذهنی نسبت به فاکتورهای امنیت‌بخش حاصل می‌شود، تفاوت فاحشی وجود دارد. در هر صورت هرگونه راهکاری برای «مداخله» در شهر به مثابه «سیستمی» از اجزا و عناصر در برنامه‌ریزی شهری، تنها با شناخت و بررسی فاکتورهای اساسی سکنی‌گزینی در آن شهر و بازخورندهای حاصل ممکن می‌شود. در این میان مولفه امنیت شهروندان، می‌بایستی مورد التفات بیشتر قرار گیرد، چراکه امروزه بدون شناخت و بررسی سازوکار این مولفه در ساختار شهری به مثابه سیستمی شهری (متشکل از ورودی و خروجی و پردازش درونی)، امکان مداخلات مناسب، کارآمد و بهینه در شهر میسر نمی‌شود. این چنین است که «امنیت» باید به عنوان مولفه‌ای تأثیرگذار در شهر، مورد ارزیابی قرار گیرد. این امر از آن جهت دارای اهمیتی مضاعف می‌شود که امنیت شهروندان از محورهای اساسی توسعه پایدار انسانی به‌شمار می‌رود، چنانچه بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸، امنیت در ابعاد اقتصادی از جهت میزان درآمد، شغل و سرمایه‌گذاری و امنیت محیطی و جانی را نیز دربر می‌گیرد. در عین حال نمی‌توان انتظار داشت بدون ارتقاء مؤثر و کارآمد مولفه‌های امنیت شهری، بتوان در بهبود کیفیت زندگی،^۶ افزایش رضایتمندی شهروندی^۷ و تحقق توسعه پایدار شهری^۸ را در بستر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی^۹ فراهم آورد. علاوه بر این مولفه‌های امنیتی شهر دارای نقشی اساسی در میزان انسجام اجتماعی و امنیت ملی^{۱۰} به‌شمار می‌روند. بدیهی است که به دلیل تنوع و گستردگی فاکتورهای مؤثر بر احساس امنیت یا امنیت‌پذیری ذهنی شهروندان، می‌بایست درباره هر شهری بررسی و پژوهشی میدانی در این باره صورت گیرد تا ضمن افزایش احساس امنیت از دید شهروندان، امکان انجام مداخلات فراگیر برای بهبود سازی دیگر مولفه‌های زندگی شهری، در فرایند «تصمیم‌سازی» برنامه‌ریزی شهری یا «تصمیم‌گیری» از دیدگاه کلان، ممکن شود.

با این دیدگاه و توجه به چنین ضروریاتی است که نویسنده کتاب اقدام به چاپ و انتشار این اثر کرده است که در نوع خود واجد ارزش و احترام شامخ بوده و منتقد اثر تنها از باب اشاراتی چند و ضمن سپاس‌گذاری از همت طبع نویسنده، اقدام به نقد کتاب حاضر کرده است.^{۱۱} در رابطه با ساختار نقد کتاب حاضر، ابتدا به نقدهای صوری کتاب اشاره می‌شود و در پایان نقد محتوایی اثر حاضر صورت می‌گیرد.

نقد صوری

در رابطه با نقد صوری اثر حاضر می‌توان به موارد مطرح زیر اشاره کرد:

۱. نکته ابتدایی اینکه در شناسنامه کتاب، تعداد صفحات در قسمت مشخصات ظاهری به اشتباه ۲۹۰ صفحه مصور درج شده است؛ در حالی که تعداد صفحات ۳۱۰ می‌باشد. همچنین صفحات کتابنامه به اشتباه ۲۱۲-۲۱۸ درج شده است.

۲. نکته دوم به قرارگیری بخشهای کتاب مربوط می‌شود؛ چنان چه در این رابطه می‌توان گفت که آنچه معمول و مرسوم است، فهرست مندرجات، بایستی قبل از پیشگفتار و مقدمه مولف یا مترجم قرار گیرد، حال آنکه در این اثر این مهم در نظر گرفته نشده است. آنچه در کتاب دیده می‌شود، قرارگیری پیشگفتار و دیباچه ناشر پیش از فهرست است که معمول نیست.

۳. نکته سوم به پیشگفتار^{۱۲} و مقدمه^{۱۳} مولف است. ابتدا باید گفت که پیشگفتار با مقدمه تفاوت ماهوی دارد. پیشگفتار رابط ماهوی و مستقیم با محتویات کتاب ندارد، در حالی که مقدمه ارتباط ماهوی و محتوایی دارد. هرچند کتاب حاضر، به این مهم توجه داشته است ولی بین مکان قرارگیری این دو مقوله به وسیله فهرست فاصله ایجاد شده است که صحیح و جایز نیست. در ضمن در فهرست مندرجات برای این بخشها، شماره صفحه عددی منظور شده است که جایز نیست.

۴. نکته چهارم، در نوع، شماره‌دهی و چگونگی ارجاع صفحات در فهرست به شرح زیر می‌باشد:
- به‌طور معمول صفحات فهرست، عنوان و مقدمه ناشر نباید در تعداد صفحات لحاظ شود که این مهم مورد توجه قرار نگرفته است.

- در عین حال در فهرست مندرجات، دیده می‌شود که پیوست ۱ که همان تجربه‌های جهانی است، در دو سطر با دو شماره صفحه ذکر شده که از آنجا که هر دو یکی است، لازم به نظر نمی‌رسد.

۵. نکته پنجم، به فهرست جداول و نمودارها مربوط می‌شود. در این رابطه موارد زیر به نقصان روی داده است:

- عدم تطبیق عنوان جداول در فهرست با عنوان جداول موجود در متن کتاب؛ به عنوان مثال جداول در صفحات ۷۹، ۸۱، ۱۴۵ و که نام ذکر شده برای جداول در فهرست جداول با عنوان موجود در بالای جداول هماهنگی لازم را ندارد.
- عدم قرارگیری درست مکانی عنوان نمودارها در متن کتاب؛ آنچه که معمول است، این است که عناوین نمودارها بهتر است در پایین و عناوین جداول در بالای جداول ذکر گردد که این مهم مورد توجه مؤلف محترم و ویراستار اثر قرار نگرفته است.
۶. عدم ارجاع و ذکر عنوان به برخی از قابهای ذکر شده در کتاب مثل صفحه ۲۸،
۷. نکته اصلی در نقد صوری کتاب حاضر، با وجود ساختار نسبی قابل پذیرش آن، عدم توجه به نکات ویرایش و سجاوندی به شرح زیر است:
- عدم درج نشانه‌ها و علائم ویرایشی در متن؛ مانند عدم درج (ویرگول) در صفحه ۲۳ خط ۷؛
- درج ناقص نشانه‌ها و علائم ویرایشی در متن؛ مانند (گیومه) در صفحه ۲۷ خط ۳ یا (پرانتز) در صفحه ۲۸ خط ۱۶.
- اشتباه در قرارگیری نشانه‌ها و علائم ویرایشی در متن؛ مانند مکان قرارگیری (نقطه) و (گیومه) در صفحه ۱۸ خط ۲۳.
- اشتباه در به کارگیری نشانه‌ها و علائم ویرایشی در متن؛ مانند اشتباه در به کارگیری (،) به جای (.) در صفحه ۲۸ و دیگر صفحات.
- عدم رعایت یک شیوه ویرایش معین برای عناوین و اسامی افراد و کتب؛ مانند ایتالیک کردن یا موارد مشابه.
- ذکر همزمان اسامی لاتین و فارسی کلمات و برخی واژگان تخصصی در کنار هم در متن که به طور بدیهی بهتر است از یک شیوه مشخص در این رابطه تبعیت گردد.
۸. شیوه رفرنس دهی و ارجاع درون متنی؛ مشتمل بر:
- از آنجا که شیوه ارجاع درون متنی کتاب، (نام خانوادگی، سال: شماره صفحه) می‌باشد، ولی در برخی ارجاعات علائم و نشانه‌های ویرایشی دیده نمی‌شود؛ مثل صفحه ۶۵ خط ۱۸ یا صفحه ۷۶ خط ۶.
- عدم درج برخی از منابع لاتین در فهرست ماخذ لاتین که سهواً صورت گرفته است.
۹. در رابطه با فهرست منابع هم نکات زیر لازم به ذکر است:
- عدم درج برخی اسامی در منابع مانند مرجع دوم فارسی.
- عدم توجه به شماره فونت‌ها در منابع مانند مرجع ۸ فارسی.

- عدم درج محل چاپ یا ذکر نبودن آن در کتاب مانند مرجع ۶۵.
- درج عین واژگان «محل نشر» به جای محل نشر واقعی در مرجع ۷۶.
- تیره بودن و عدم تیرگی عناوین کتب مانند مرجع ۷ فارسی.

نقد محتوایی

نویسنده کتاب در مقدمه با اشاره به اهمیت نیاز به امنیت و التزام کاهش وقوع جرم، به این مهم اشاره می‌کند که در جوامع شهری به دلیل مقولات وابسته و پیوسته با مفهوم شهرنشینی، زمینه احساس ناامنی در شهر صورت پذیرفته است؛ چنان چه امروزه «به استناد گزارش مرکز اسکان بشر سازمان ملل، بین دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ حوادث جرم و خشونت به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر از ۶ به ۸ نفر افزایش یافته است» (صالحی، ۱۳۸۷، ص ۱۱). ایشان مسأله مورد نظر در کتاب را در این نکته می‌دانند: «اما مسأله مورد نظر این کتاب برخی از ویژگی‌های کالبدی و فضایی شهر است که بعضاً به دلایل متعدد، مکان را [برای] جرم‌خیزی مستعد می‌کند. در واقع چون وقوع هر نوع جرم علاوه بر لزوم شرایط مساعد زمانی، مستلزم شرایط مکانی است، برخی از مکان‌ها در شهرها واجد ویژگی‌هایی می‌شوند که با شرایط مورد نیاز برای وقوع جرم مطابقت می‌نماید (همانجا).

کتاب حاضر در قالب طرح تحقیقاتی معاونت شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۸۲ با درک این مساله به منظور شناخت ویژگی‌های محیط فضاهای شهری امن و در نهایت تدوین ضوابط شهرسازی کاهش شرایط جرم‌خیزی در فضاهای شهری کشور، تدوین و تالیف شده است. در هر حال، در رابطه با نقد محتوایی اثر حاضر می‌توان اشاره داشت که؛ کتاب حاضر در ۷ فصل و دو پیوست تدوین و نگارش یافته است که در فصل‌های کتاب موارد زیر مورد توجه قرار گرفته است:

۱. فصل اول کتاب به مقوله نظم و امنیت؛^{۱۴} جایگاه و نقش عوامل محیطی در رابطه با آن می‌پردازد. در این فصل ضمن اشاره به مبانی نظری نظم و امنیت اجتماعی به این نکته تصریحاً اشاره می‌شود که اصولاً شهر بی‌نظم، شهر نیست؛ بلکه نفی شهر است. در ادامه با اشاره نسبی به عوامل تعیین‌گر در نظم شهری و امنیت اجتماعی، به لزوم توجه به جایگاه «عوامل محیطی» پرداخته می‌شود.

۲. فصل دوم کتاب به عوامل و ویژگی‌های محیطی موثر در پیدایش آنومی و بی‌نظمی در شهر به اختصار اشاره دارد. در این فصل رابطه فی مابین شهر و رفتار ناهنجار بزهکاری و ویژگی‌های جرایم و خشونت‌های شهری با اشاره به جایگاه عوامل محیطی شهر با جمع بندی نظریات اشاره می‌شود.

۳. فصل سوم کتاب عوامل مکانی در رابطه با پیدایش بی نظمی و عدم امنیت در شهر اشاراتی می‌شود؛ ضمن اینکه ویژگی‌های محل و موقعیت مکانی وقوع جرایم و اینکه ویژگی‌های مکانی فضا در تعیین سرنوشت آن نقش بسزایی دارند، به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴. فصل چهارم کتاب به تبیین مفهوم فضاهای شهری امن و نقش ضوابط و مقررات در این رابطه اشاره می‌شود؛ حال آنکه با اشاره به دیدگاه‌های مختلف در خصوص فضاهای شهری، در پایان به تبیین فضاهای امن شهری پرداخته می‌شود. نقش هر یک از عوامل موثر در این مفهوم، در سه سطح کلان، میانه و خرد مورد توجه قرار می‌گیرد. نویسنده بر این نکته تصریح دارد که ضوابط و مقررات شهرسازی به عنوان منحصر بفردترین ابزار شهرسازی نقشی اساسی در ساماندهی عوامل فضایی و کالبدی فضاهای شهری و تحقق پذیری فضای شهری امن دارد.

۵. فصل پنجم کتاب به تبیین زمینه‌های نظری کاهش شرایط جرم خیزی فضاهای شهری و مکان‌ها می‌پردازد که پس از مرور پیشینه نظری موضوعی و مکانی ایجاد فضاهای شهری امن، به رویکرد «جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی» اشاره می‌شود تا از میان مولفه‌ها، معیارها و شاخص‌ها ضمن اجماع نظر صاحب‌نظران این زمینه، به استخراج معیارهایی در حوزه کاهش میزان جرم‌خیزی فضاهای شهری منجر گردد.

۶. فصل ششم کتاب به تبیین مولفه‌ها و معیارهای مستخرج از فصل قبل می‌پردازد. در این فصل مؤلفه‌ها و معیارهای فضاهای شهری امن در قالب یک دسته‌بندی کلی از این مولفه‌ها و معیارها مشتمل بر؛ اندازه فضا، آسایش بصری و محیطی، سازمان فضایی و نفوذپذیری و در نهایت کیفیت مسکن و کاربری زمین؛ پرداخته شده است.

۷. فصل هفتم نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از کتاب حاضر مربوط می‌شود که به جمع‌بندی مطالب اختصاص دارد. در این بخش؛ علاوه بر جمع‌بندی، به معرفی یک «مدل تحلیلی ایجاد فضای شهری امن» پرداخته می‌شود که با اشاره به نتایج یک تجربه میدانی که با استناد به یافته‌های نظری و کاربرد مدل تحلیلی فوق‌الذکر به انجام رسیده است، به پایان می‌رسد.

در رابطه با نقد محتوای کتاب نیز موارد زیر باید مورد توجه باشد:

۱. در زمینه پیشینه تحقیق با وجود ارجاعات مناسب و دید و وسعت کلام نویسنده؛ برخی از تحقیقات در این رابطه دیده نشده یا به دلایلی لحاظ نشده است که نگارنده به دلیل مطالعات گسترده در این زمینه به برخی از آنها اشاره می‌کند:

عدم درج و در نظرگیری برخی تحقیقات و پژوهش‌ها در مقوله پیشینه تحقیق و در ارتباط با امنیت و ابعاد آن؛ و مرتبط با فصل‌های اول و دوم کتاب:

«گزارش مرکز پژوهش امنیت انسانی»^{۱۵} با اشاره به ابعاد کالبدی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به این نکته اشاره دارد که می‌توان با توزیع عادلانه اقتصادی در مقیاس ملی و منطقه‌ای (امنیت اقتصادی)، و افزایش مشارکت‌سازی شهروندی و احساس مسئولیت همگانی در برابر دیگر شهروندان (امنیت اجتماعی)، و افزایش مؤلفه‌های دموکراسی و حقوق شهروندی در ساختار شهری (امنیت سیاسی)، میزان امنیت شهروندان و به تبع آن رضایتمندی و رفاه اجتماعی شهروندان را، افزایش داد. گروه VWG^{۱۶} در «سند شهرهای جهانی»،^{۱۷} با اشاره به راهکارها، راهبردها و مکانیزم‌های مداخلات شهری برای ایجاد یک «ایمن شهر»،^{۱۸} توجه به تمامی مولفه‌های مطلوبیت زندگی در شهر را در ابعاد اقتصادی اجتماعی و کالبدی مورد اشاره قرار می‌دهد و به بررسی آن در سطح جهان می‌پردازد. جامع‌ترین تحقیق درباره امنیت و مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی و محیطی را باید سندی دانست که با همکاری ارگان ایمن شهر «هابیتات»^{۱۹} و «ارگان USL»^{۲۰} به انجام رسیده است، و معطوف به ارائه اهداف، روش‌شناسی، راهبردها و راهکارهایی است که به افزایش مولفه‌های امنیت سازی شهری در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و خاصه کالبدی و محیطی می‌پردازد. «هیکن و والتین»^{۲۱} در رابطه با امنیت شهری در سطح جهان پژوهشی انجام داده اند که به بررسی پدیده «تروریسم»^{۲۲} و اشرار مسلح و «امنیت محیطی» و حتی امنیت در میزان انرژی^{۲۳} مصرفی در شهرها و آینده آن در جهان، می‌پردازد. در سپتامبر ۲۰۰۵ نیز کنفرانس جهانی درباره «امنیت شهری»^{۲۴} (تکنولوژی و تجهیزات)، در چین برگزار شد که به ارائه تجهیزات حفاظتی شهری و امنیت محیطی و کالبدی شهر از طریق ابزارهای الکترونیکی و ماهواره ای پرداخت. «انجمن اجتماعی و اقتصادی»^{۲۵} وابسته به سازمان ملل متحد،^{۲۶} مبادرت به بررسی و ارزیابی هایی پیرامون امنیت شهری کرده است که از محورهای این تحقیق می‌توان به «دولت، صلح و امنیت»،^{۲۷} «محیط زیست، جمعیت و شهرنشینی» و «توسعه منابع انسانی و اشتغال زایی» اشاره کرد که رویکردهایی معطوف به برقراری امنیت سیاسی، اقتصادی و محیطی در شهر بشمار می‌روند. در این میان التفات به امنیت اقتصادی اقشار اجتماعی آسیب پذیر مانند زنان و کودکان، طیف گسترده‌ای از بیانی‌ها و تحقیقات جهانی را در بر گرفته است که می‌توان به پژوهش^{۲۸} NCCP درباره امنیت اقتصادی کودکان در شهرهای کشورهای درحال توسعه، و کنفرانس جهانی امنیت اجتماعی و اقتصادی زنان شهری^{۲۹} اشاره کرد. امنیت اقتصادی در شهرها بوسیله «ماکسول»^{۳۰} در گزارش تحقیقاتی ۱۱۲ نهاد تحقیقاتی سیاست-

های ملی تغذیه (IFPRI) در کشور غنا، در چارچوب سند امنیت اقتصادی و تغذیه مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته است. همچنین می‌توان به استراتژی‌های حمایتی از شهر در قالب راهبردها و راهکارهای اجرایی اشاره کرد که در ایجاد امنیت کالبدی در شهر و با توجه به برخی از استراتژی‌های اجتماعی مانند افزایش «نظارت عمومی»^{۳۱} پس از واقعه ۱۱ سپتامبر مورد توجه قرار گرفته است و بوسیله افرادی مانند «ریچارد لیتل»^{۳۲} در حوزه امریکا، و در کاربستی جهانی ارائه شده است. پژوهش‌های صورت گرفته در ایران نیز بیشتر معطوف به مولفه‌های «جرم‌خیزی شهری» و «میزان جرائم در سطح شهر» در میان اقشار اجتماعی بوده است که کمتر به بررسی امنیت و خاصه، مقوله احساس امنیت شهروندان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، ملی، سیاسی و مذهبی و محیطی بوده است. در این میان می‌توان به تحلیلی پیرامون شرایط محیط اجتماعی و طبیعی استان کردستان در ارتباط با بزهکاری، اشاره کرد که با استفاده از روشهای مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه به بررسی پدیده جرم‌خیزی در سطح استان کردستان پرداخته است (صالح ولیدی، بی‌تا). همچنین می‌توان به تحقیقی درباره جرم‌خیزی و مصرف مواد در شهرهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی اشاره داشت که بوسیله فرهودیان و دیگران (۱۳۸۳ و ۱۳۸۴) با حمایت «دفتر مواد و جرائم سازمان ملل» (UNODC) صورت گرفته است، و یا می‌توان به تحقیق «مساواتی آذر» (۱۳۷۴) درباره آسیب‌شناسی اجتماعی ایران در سطح کشور و معطوف به استان آذربایجان شرقی اشاره داشت.

عدم در نظرگیری برخی تحقیقات در پیشینه تحقیق در ارتباط با امنیت کالبدی و ابعاد آن مرتبط با فصلهای پنجم و ششم کتاب:

مرکز بین‌المللی جرائم (NICP, ۲۰۰۶) رویکرد CPTED را طراحی و استفاده مناسب از محیط ساخته شده برای کاهش یا جلوگیری از جرائم و بهسازی کیفیت زندگی می‌داند. روزنامه بین‌المللی جلوگیری از جرائم (۲۰۰۶) JCI توجه به امنیت را مولفه‌ای اساسی در طراحی فضاهای مصنوع شهر می‌داند، چرا که احتمال وقوع جرائم و ارتکاب آنها را کاهش می‌دهد. انجمن بین‌المللی CPTED, ICA, ۲۰۰۵ نیز آن را استفاده هوشمندانه از فضای ساخته شده در جلوگیری از جرائم در فرایند طراحی و برنامه‌ریزی محیط مصنوع تعریف می‌کند. شورای ملی جلوگیری از جرائم (NCPC, ۲۰۰۶) نیز به استفاده هوشمندانه از محیط مصنوع در طراحی فضاهای شهری اشاره دارد که می‌تواند پتانسیل جرم‌خیزی مناطق را کاهش دهد. «تیم کرو» (مدیر دپارتمان بین‌المللی جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی) [۳] آن را راهی برای تحقق شهری ایمن می‌داند که از اقدامات پیشگیرانه از طریق طراحی و برنامه‌ریزی شهری برای کاهش احتمال تجاوز و جرائم

شهری، بهره می‌گیرد و سوزان آجوک (دبیر دپارتمان جلوگیری از جرایم شهری در سطح محله‌ای شهر پترزبورگ) به فرایند پیشگیری قبل از درمان در احتمال وقوع جرائم اشاره می‌کند و یکی از رسالت‌های طراحی شهری و معماری فضاهای شهری را در کاهش پتانسیل‌های طبیعی جرم‌خیزی مناطق می‌داند. بر این اساس می‌توان این رویکرد را یک رویکرد ترکیبی در طراحی ساختار کالبدی شهر دانست که از طریق آرایش و طراحی کالبد شهر برای جلوگیری از ارتکاب جرائم و یا کاهش آن بهره می‌برد [۴]. بانک جهانی نیز بر این باور است که این روش طراحی، این امکان را فراهم می‌کند که شهروندان، نماینده ای کلیدی در ایجاد امنیت خویش باشند که از مشارکت‌سازی اجتماعی در جلوگیری و کاهش جرائم بهره می‌برد. پت ترلا (۲۰۰۴) سه رکن اساسی پیشگیری از جرم را در حوزه قانون، پیشگیری‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی و طراحی‌های مناسب محیطی می‌داند که بدون توجه به آن، نمی‌توان از جرائم قابل انتظار در محیط کاست. [۳۹]



تصویر بالا: ۳ رکن اساسی پیشگیری از وقوع جرم از دیدگاه پت ترلا (۲۰۰۴)

رویکرد CPTED از آن جهت مهم است که باید علاج واقعه را قبل از وقوع کرد و این در حالی است که در اجتماع امروز عمدتاً به مجازات و تنبیه پس از وقوع جرائم تأکید می‌شود. گویی باید جرمی واقع شود تا به جلوگیری از آن اندیشید یا به نقش فضاهای غیر قابل دفاع شهر در این رابطه توجه شود. [۸] رویکرد حاضر این امکان را فراهم می‌کند تا با طراحی کالبدی شهر از طریق طرح کالبدی ساختمان و طراحی پلان و دسترسی به سایت‌های جرم خیز، بتوان از ایجاد محیط‌های مناسب برای جرم و جنایت، پرهیز کرد تا بعنوان بازدارنده ای از ارتکاب جرائم عمل کند. از آنجا که هر مکان شهری محل رفتارهای ویژه شهروندی است و از سویی دیگر تنها محیط‌هایی جرم‌خیز محسوب می‌شوند که تحت نظارت عمومی

نباشند یا دارای ظرفیت بالقوه‌ای برای ارتکاب جرم داشته باشند[۲۱]، می‌توان از طریق طراحی کالبد شهر یا ساختمانها از ارتکاب جرائم شهری جلوگیری بعمل آورد. انواع جرائم درون شهری را جرائم گزارش شده / نشده، جرائم قابل کشف / غیر قابل کشف، جرائم آگاهانه/ غیرآگاهانه و جرائم از پیش تعیین شده/ نشده تشکیل می‌دهد[۱۹] که هر کدام در هنگام وقوع بگونه‌ای به ساخت کالبدی شهر ارتباط دارد، چرا که اگر محیطی برای جرائم فراهم نشود، بسیاری از جرائم بصورت خود بازدارنده کاهش می‌یابند. این امر از آن جهت مهم می‌نماید که مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که ترس از وقوع جرائم در حال افزایش و احساس امنیت و ایمنی شهروندان در حال کاهش است.

در روند تاریخی جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی می‌توان دوره‌هایی را در نظر گرفت[۲۴] که به اهم آنها در جدول زیر اشاره شده است. همانگونه که در جدول زیر آورده شده است تقویت انگیزه‌های اجتماعی جامعه و ارتقاء نظارت عمومی در کنار افزایش شفافیت فضاهای عمومی و عناصر مستقر در محیطهای شهری و رفع نابسامانی‌های کالبدی و منظر بخشی از ساز و کارهای ایجاد محیطهای امن شهری را تشکیل می‌دهد.

جدول ۱. پیشینه و سوابق رویکرد در آرای اندیشمندان و بازتاب‌های جهانی

پیشینه اقدامات و ملاحظات جهانی در آرای اندیشمندان و صاحب‌نظران شهری	
۱۹۶۰	جین جاکوبس (۶) در کتاب <i>مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی</i> ۱- نیاز به خیابان‌های امن در شهر ۲- جداسازی و تشخیص مکان‌های عمومی و خصوصی ۳- تنوع کاربری و اختلاط آنها در سطح شهر ۴- استفاده موثر و بازدارنده از حضور عابران پیاده در مناطق شهری برای کاهش احتمال وقوع جرائم
۱۹۷۰	رای جفری (۲) در کتاب <i>جلوگیری از جرائم شهری با طراحی محیطی و اسکار نیومن (۷)</i> در کتاب فضاهای قابل دفاع ۱- کاهش پتانسیل طبیعی جرم‌خیزی مناطق شهری ۲- شهروندان باید ببینند و دیده شوند (نظارت عمومی). ۳- شفافیت و در معرض دید قرار گرفتن فضاهای عمومی ۴- اشتیاق مردم به گزارش و برخورد با مخلفات و جرایم

<p>۱- ارایه تئورى پنجره‌هاى شکسته (۱) پنجره‌هاى شکسته هستند که فرصت را برای ارتکاب و احتمال وقوع جرائم در سطح شهر فراهم می‌کنند</p> <p>۲- کاهش پتانسیل‌هاى طبیعى جرم‌خیزی مناطق شهری</p> <p>۳- اشاره به نابسامانى طراحی محیط مصنوع</p> <p>۴- اشاره و تأکید بر ناکارآمدی قوانین و استانداردهاى طراحی شهری و معماری</p> <p>۵- نقش موانع طبیعى و بازدارنده‌هاى موقعیتی در کاهش فرصت-دهی برای تجاوزات و جرائم شهری</p>	<p>جرج کیلینگ و ویلسون (۱۰) و پل براتینگهام (۹) در کتاب جرم‌شناسی شهری</p>	<p>دهه ۱۹۸۰</p>
<p>ارائه استراتژی و روشمندی این رویکرد برگزاری کنفرانسها و همایش‌هاى بین‌المللى مطابق شرح زیر:</p> <p>2006/11th : Calgary/ Canada 2005/10th : Santiago/ Chile. 2004/9th :Brisbane/ Australia 2003/8th : Amsterdam/ Netherlands 2002/7th : Calgary/ Canada 2001/6th : Brisbane/ Australia 2000/5th : Oakland/ Ca/ USA 1999/4th : Mississauga/ Canada 1998/3rd : Washington/ USA 1997/ 2nd: Orland/ FL/ USA 1996/ 1nd : Calgary/ Canada</p>	<p>تیم کرو (۳) و (۱۵) مسئول برنامه‌هاى آموزشی جهانی cpted در کتاب جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی cpted</p>	<p>دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰</p>

همچنین می‌توان به موارد زیر اشاره داشت که نویسنده کتاب کمتر به آنها پرداخته است، حال

آنکه از اهمیتی فزاینده در این رابطه برخوردار می‌باشند:

~ سایت بانک جهانی (W.B) و طرحهای تحقیقاتی مرتبط در کشورهای جهان مانند آفریقای جنوبی [(۲۵C.S.I.R)] و

~ سایت‌های اینترنتی دولتهای محلی/ شهرداری شهرهایی نظیر: [۱۱Edmonton]، [۱۲Tucson]، [۱۳Virginia Beach]، [۱۴Durham county]، Florida و Queensland [Petersburg]، [۲۰Baltimore county]، [۱۷Adelaide] و [۱۸Lismore]،

~ سایت «انستیتوی بین المللی جرائم» [(۳۲N.I.C.P)]،

~ «انجمن بین المللی [(I.C.A)] «CPTED» [۳۵]،

~ «روزنامه بین‌المللی جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی» [(۳۴J.C.I)] و

~ «شورای ملی جلوگیری از جرائم» [(N.C.P.C) [۳۳]].

عدم در نظرگیری برخی تحقیقات در پیشینه تحقیق در رابطه با فضاهای شهری و ابعاد ماهوی و کیفی آن مرتبط با فصلهای سوم و چهارم:

با بررسی بیش از ۱۰۰۰ فضای عمومی در سراسر جهان، PPS دریافت که مؤفق‌ترین و کاراترین فضای عمومی دارای ۴ کلید کیفیتی است: ۱. این فضاها در دسترس هستند ((accessible، ۲. افراد در آنها درگیر فعالیت می‌شوند (act ivies)، ۳. راحت بوده و دارای مناظر زیبایی هستند (comfortable)، و ۴. در نهایت مکانی معاشرت‌پذیر (sociable) هستند؛ یعنی جایی که افراد می‌توانند همدیگر را ملاقات کنند. علاوه بر این، دیاگرام مکان را به عنوان ابزاری جهت قضاوت مردم در ارزیابی یک مکان مناسب و یا نامناسب، به کار می‌برد.

چنانچه مشاهده می‌شود مقوله امنیت یکی از مهمترین مؤلفه‌های کیفی فضاهای شهری فرض شده است که در کتاب فوق الذکر، در هیچ کجا به مقوله سایت PPS اشاره نشده است که این مساله جایز نیست.

۱	نظافت و پاکیزگی	۲	عملکرد و کارکردی
۳	دسترسی	۴	تمایز و هویت مکانی
۵	جذابیت و مقبولیت پذیری	۶	ایمنی و امنیت
۷	راحتی و آسایش	۸	سرزندگی و پویایی
۹	عموم پذیری	۱۰	نیرومندی و سلامتی

جین جیکوبز در سال ۱۹۶۱ در کتاب *زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا*، ۵ معیار را برای محیطی با کیفیت مطلوب بیان می‌کند: «۱. ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط؛ ۲. استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ تنوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با قدمت‌های مختلف در یک ناحیه؛ ۳. توجه به عنصر خیابان؛ ۴. نفوذپذیر بودن (قابل دسترس بودن) بافت؛ ۵. اختلاط اجتماعی و انعطاف‌پذیر بودن فضاها.»

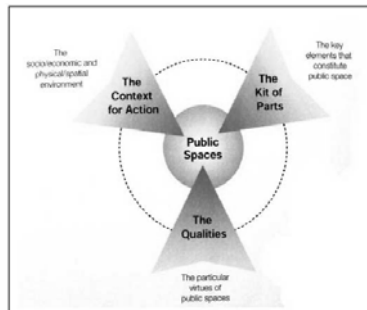
کوپن لینچ با انتشار تئوری شکل خوب شهر در سال ۱۹۸۱ میلادی حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به تبع آن ارتقا کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار و دو فوق معیار زیر اعلان می‌دارد: «۱. سرزندگی: به مفهوم امکان بقای زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی انسان در محیط شهر؛ ۲. معنی (حس): به معنی نقش‌انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان‌های شهری؛ ۳. سازگاری: به منظور انطباق فرم شهری با فعالیت‌های گوناگون و مدارهای رفتاری؛ ۴. دسترسی: به مفهوم سهولت

نفوذ فیزیکی به بخش‌های مختلف بافت شهری؛ ۵. کنترل و نظارت: به مفهوم فراهم بودن امکان انتخاب و مداخله شهروندان در امور مرتبط با مدیریت و استفاده از عرصه همگانی؛ ۶. کارایی: کارا بودن هر یک از معیارهای فوق باتوجه به هزینه، ۷. عدالت: پرداخته شدن هزینه معیارها از طریق سازمان یا طبقه اجتماعی که باید برای آن هزینه کنند.^{۳۳}

یکی از مشهورترین مجموعه کیفیت‌های طراحی شهری مجموعه ارائه شده توسط "یان بنتلی و همکارانش" در کتاب *محیط‌های پاسخ‌ده*^{۳۴} است. این معیار که باید در ایجاد محیط‌های پاسخ‌ده رعایت شوند، عبارتند از: «۱. نفوذپذیری. ۲. گوناگونی. ۳. خوانایی. ۴. انعطاف‌پذیری. ۵. تناسبات بصری. ۶. غنای حسی. ۷. رنگ تعلق.»

جان پانترو متیو کرمونا در کتاب *ابعاد/طراحی/برنامه‌ریزی شهری*^{۳۵} در ۱۹۹۱ نیز بحث کیفیت را در موارد زیر مطرح کرده‌اند: «۱. کیفیت پایداری زیست محیطی. ۲. کیفیت منظر شهر. ۳. کیفیت دیده‌ها. ۴. کیفیت فرم شهر. ۵. کیفیت فرم ساختمان. ۶. کیفیت عرصه همگانی.»

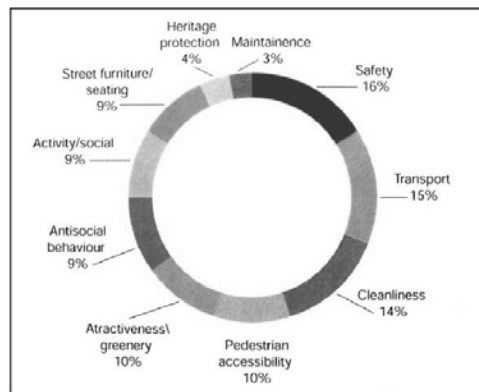
تحلیلی دیگر از کیفیات محیط کالبدی در کتاب معروف متیو کرمونا تحت عنوان *مکان‌های عمومی - فضاهای شهری*^{۳۶} ارائه شده است. در این اثر کرمونا کیفیات تأثیرگذار بر محیط کالبدی را به ۷ دسته تقسیم کرده است که عبارتند از: «۱. دسترسی. ۲. سخت فضا و نرم فضا. ۳. فضای همگانی. ۴. ایمنی و امنیت. ۵. منظر شهری. ۶. اختلاط و تراکم. ۷. همه شمول بودن.»



اجزا سازنده شخصیت فضاهای عمومی. ماخذ: (ODPM (2004:17)

دفتر معاونت نخست وزیر انگلیس (OPDM) در بررسی شخصیت و هویت فضای عمومی سه بعد را مطرح می‌کند: «۱. بستر فعالیت^{۳۷}: که شامل محیط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود. ۲. جعبه ابزار^{۳۸}: که عناصر اصلی و کلیدی که فضای عمومی را تشکیل می‌دهند، شامل می‌شود. ۳. کیفیت‌ها^{۳۹}: که برتری‌های خاص و ویژه فضا را در بردارد.» سپس در جدولی جعبه ابزار لازم جهت

ساختن فضای عمومی را در ۴ بخش ساختمان‌ها و زیرساختها منظر^{۴۰} و کاربردها به عرضه می‌گذارد. این دفتر در تحقیقی بر روی کیفیت فضاهای عمومی شهری با بررسی منظرهای ۱۵۰ پاسخ دهنده و تحلیل نتایج آنها نشان می‌دهد که استفاده‌کنندگان به‌طور علمی نظیر امنیت، دسترسی و پاکیزگی فضاهای عمومی را مهمترین عامل کیفیت قلمداد کرده و در مقابل برای موارد دیگری نظری حفاظت و نگهداری فیزیکی فضاهای عمومی ارزش کمتری قائل شده‌اند. این دفتر سپس با تکیه بر آنچه در سند «به کمک طراحی»^{۴۱} که توسط CABE^{۴۲} و DETR^{۴۳} در سال ۲۰۰۰ منتشر شده است، اشاره می‌کند که فضاهای عمومی می‌توانند با ۱۰ عامل زیر متمایز و مشخص شوند: «۱. نظافت و پاکیزگی: ^{۴۴} آیا این مکان‌ها تمیز هستند و به تمیزی آنها رسیدگی می‌شود؟ ۲. دسترسی: ^{۴۵} این فضاها تا چه اندازه در دسترسند و قابلیت تحرک در آنها وجود دارد؟ ۳. جذابیت: ^{۴۶} تا چه اندازه جذابیت بصری دارند؟ ۴. راحتی: ^{۴۷} آیا افراد در گذراندن اوقات فراغت در این مکان راحتند؟ ۵. جامعیت: ^{۴۸} به چه میزان پذیرای طیف‌های مختلف اجتماعی هستند؟ ۶. سرزندگی و پویایی: ^{۴۹} تا چه حد از فضا استفاده شده و امکان انجام فعالیت‌های شاد و زندگی بخش وجود دارد. ۷. عملکرد: ^{۵۰} تا چه حد قابلیت به مرحله اجرا درآمدن فعالیت‌های مختلف در فضا وجود دارد؟ ۸. تمایز و تشخیص: ^{۵۱} آیا این فضا یک شخصیت خاص دارد؟ ۹. ایمنی و امنیت: ^{۵۲} آیا این فضاها احساس امنیت را القا می‌کنند و فضاهای امنی هستند؟ ۹. نیرومندی: ^{۵۳} تا چه حد در طول زمان انعطاف‌پذیر هستند؟» (ODPM:۱۹۰۴:۲۰۰۴).



ویژگی‌های یک فضای مطلوب شهری؛ به عنوان نمونه در این نمودار پذیرفته شده جهانی مقوله امنیت مورد توجه بوده در حالی که در کتاب حاضر به آن اشاره نشده است

در بسیاری متون این کیفیات در قالب اهداف طراحی شهری بیان شده است، به‌طور مثال در کتاب به کمک طراحی^{۵۴} که بیان‌کننده موفقیت طراحی در سیستم برنامه‌ریزی است، اهداف طراحی به نوعی بیان‌کننده کیفیت‌های مورد توجه در طراحی شهری محیط کالبدی است. این اهداف عبارتند از: «۱. هویت. ۲. تداوم و محصوریت. ۳. کیفیت عرصه همگانی. ۴. سهولت حرکت. ۵. خوانایی. ۶. تطابق. ۷. تنوع.»

علاوه بر بیان پارامترهای کیفیتی محیط، نظریه‌پردازان نیز مدل‌هایی برای طبقه‌بندی این کیفیات ارائه کرده‌اند. سه مدل عام در این زمینه عبارتند از:

الف) مدل نیازهای انسانی (مدل جان لنگ): این مدل با اقتباس از نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو تدوین شده است. بر اساس این مدل می‌توان کیفیت محیط شهری را برحسب برآورده ساختن گونه‌های مختلف نیازهای انسان یعنی: نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به ایمنی و امنیت، نیاز به وابستگی و احساس تعلق، نیاز به عزت و اعتماد به نفس، نیاز به تحقق خویشتن و خوشکوفایی و نیازهای شناختی - زیباشناختی طبقه‌بندی نمود. لذا لازم است تا محیط شهری نیازهای متفاوت انسانی را برآورده سازد.

ب) مدل اپیلارد؛^{۵۵} حالت‌های ادراک انسانی: بر اساس مدل پیشنهادی اپیلارد، می‌توان مؤلفه‌های گوناگون کیفیت طراحی شهری را براساس پاسخگویی به حالات ادراکی مختلف انسان سازمان‌دهی و طبقه‌بندی نمود. اپیلارد واکنش‌های ادراکی انسان در برابر محیط را به سه حالت زیر تفکیک می‌کند: ۱. «حالت واکنشی - عاطفی»،^{۵۶} که در برگیرنده واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به محیط است و در این حالت محیط به عنوان محرکی جهت برانگیختن احساسات و تداعی معانی تلقی می‌گردد. ۲. «حالت عملیاتی»،^{۵۷} که غالباً توسط افراد در زندگی روزمره مانند تردد از مکانی به مکان دیگر جهت کار، ملاقات و... به کار گرفته می‌شود. ۳. «حالت استنباطی»،^{۵۸} که افراد برای حمایت از فعالیت‌های عملیاتی و واکنش‌های عاطفی فوق، در جستجوی کسب اطلاعات از محیط و نهایتاً فهم معنی آن هستند. در این وضعیت اطلاعات استنباط شده، موجب روشن‌گردیدن هویت فردی و جمعی محیط و جامعه مرتبط با آن و نهایتاً حس مکان می‌گردد.

پ) مدل مؤلفه‌های مکان موسوم به مدل کانتر: مدل مشهور دیوید کانتر، از پیشگامان مطالعات ادراکی معماری و طراحی شهری را می‌توان یکی از چارچوب‌های نظری که قادر به تبیین مؤلفه‌های کیفیت طراحی شهری است، محسوب نمود. براساس مدل مزبور که به مدل مکان شهرت دارد، محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت و تصورات است. از

آنجا که کیفیت محیط شهری یک مکان ناگزیر از پاسخدهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است. می‌توان مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیط شهری را مؤلفه‌هایی به موازات مؤلفه‌های سازنده مکان تعریف نمود. به عبارت دیگر، با اقتباس از نظریه مکان کانتز می‌توان گفت کیفیت محیط شهری عبارت است از برآیند سه مؤلفه که هریک از آنها متکفل برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های سه گانه «کالبدی»، «فعالیتی» و «تصوری» محیط شهر است (گلکار، ۱۳۸۰: ۳۸-۶۵). اگر چه کانتز مدل خود را در سال ۱۹۷۷ ارائه داده است، ولی قبل از وی مؤلفه‌های مکان در اندیشه‌های رلف^{۵۹} در کتاب *مکان و بی‌مکانی*^{۶۰} به صورت سه مؤلفه «کالبد، فعالیت و معنی» در ۱۹۷۶ ارائه شده است. جذابیت‌ها و کارایی این دو مدل باعث شده است تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از مدل مزبور ارائه نمایند.

دیگر موارد نقد کتاب حاضر عبارتند از:

۲. «عدم در نظریه تفاوت ماهوی مقوله مکان و فضا در شهر»؛ آنچه استنباط می‌شود برداشت ایشان از مقوله مکان اعم از فضا بوده، حال آنکه در ادبیات شهرسازی، فضا در صورت در نظریه برخی «کاراکترها» و «مؤلفه‌ها» واجد ارزش مکان می‌شود. و لذا مفهومی «متاخر بر فضا» قلمداد می‌شود که در تنظیم فصول و ارتباط منطقی آنها لحاظ نشده است.

۳. در فصل چهارم جدولی در رابطه با مفهوم فضا در شهر اشاره شده است که دچار چالش معنایی و محتوایی است. در این رابطه تنها این طرح مساله صورت می‌گیرد که «آیا گونه‌شناسی فضاهای شهری به همین چند مورد خلاصه می‌شود؟ آیا فضاهای عمومی شهری نرم [به اصطلاح نویسنده کتاب] شامل پارکها و فضاهای باز دارای عملکرد شهری منتهی می‌شود؟ مگر فضای پارکها دارای وجوه کالبدی مشخص نیستند؟ حتی با وجود پذیرش این مساله، میدان یا خیابان وجوه کالبدی مشخص تری از فضای پارک دارد؟» در هر حال، طرح این جدول نمی‌تواند اجماع کلی صاحب نظران عرصه شهرسازی را فراهم کرده و محل اندیشه بیشتر را طلب می‌کند.

۴. در فصل چهارم به ساختار محله‌ها (باهمستانهای شهر) اشاره نشده است. این مساله جای سوال است که آیا مهمترین فضای شهری در مقوله تامین امنیت و کاهش جرم‌خیزی، همان محلات و باهمستانهای شهری نیست و ذکر این سوال که چرا به طور مفصل نویسنده کتاب این مهم را مورد نظر قرار نداده است؟

۵. در رابطه با مفهوم «جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی» به منابع اصلی این مفهوم اصلاً اشاره نشده است که جای سوال دارد؛ چرا به تاریخچه این مفهوم در ادبیات جهانی با رجوع به

سایتهای مراکز مربوطه اشاره ای نشده است. آیا نباید به درگاه های اینترنتی مانند «انستیتوی بین‌المللی جرائم» ([۳۲ N.I.C.P]) ، «انجمن بین‌المللی (I.C.A)» [۳۵ CPTED] ، «روزنامه بین‌المللی جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی» [۳۴J.C.I] و «شورای ملی جلوگیری از جرائم» ([۳۳N.C.P.C]) به‌طور مستقیم اشاره شود.

در هر حال، با سپاس از نویسنده محترم کتاب، برای آگاهی خوانندگان تنها به برخی تعاریف و اصول جلوگیری از جرایم از طرق طراحی محیطی اشاره می‌شود:

بر اساس مستندات، تجربیات و آرای اندیشمندان جهانی در این زمینه، می‌توان به اصولی اشاره کرد که به عنوان مبانی در طراحی محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به‌کارگیری این اصول و مفاهیم تمثیلی آن، سهمی اساسی در طراحی محیطی بازدارنده از جرائم دارد که این اصول عبارتند از:

الف: کنترل دسترسی: با استفاده از این اصل می‌توان میزان دسترسی به مناطقی در شهر که امکان وقوع جرم دارند، را برای مجرمان احتمالی کاهش داد. برای فراهم سازی دسترسی مناسب و کاهش دادن دسترسی مجرمان به مناطق جرم خیز یا مناطقی که پتانسیل طبیعی وقوع جرم را در خود نهان دارند، می‌توان از نظارت‌های شهروندان و عابران پیاده یا ساکنان از معابر و مسیرهای دسترسی بهره گرفت که با تعریف شفاف ورودی و خروجی ساختمانهای مسکونی در سایتهای شهری و نوع و چگونگی نورپردازی و نظارت طبیعی بر نحوه دسترسی به سایت ممکن می‌شود [۳۵]. از این اصل برای کاهش پتانسیل دسترسی به مناطق برای جرم خیزی و ارتکاب جرم استفاده می‌شود.

ب: تقویت قلمروهای طبیعی: قلمرو مفهومی را به ذهن متبادر می‌کند که فضاهای خصوصی را از فضاهای عمومی جدا می‌کند و بر اساس احساس مالکیت خصوصی شکل می‌گیرد [۳۵]. این مفهوم از طریق تقویت احساس و روحیه مالکیت در محیطهای ساخته شده و مصنوع ممکن می‌شود که به ایده چتر (Umbrella Concept) موسوم است [۳۴]. لازم به یادآوری است که از طریق انگیزانندگی احساس مالکیت و تملک‌پذیری شهروندی نسبت به محلات و مناطق مسکونی است که حضور بیگانگان و مزاحمان، برای ساکنان با اهمیت می‌شود. به عبارت ساده‌تر تنها بعد از وجود و القا چنین احساسی در شهروندان و ساکنان شهر است که افراد مزاحم و مجرمان این حق را به خود نمی‌دهند که به حوزه قلمرو فرد دیگری وارد شوند.

ج: تعمیر و نگهداری: با تعمیر و نگهداری مناسب از مبلمان شهری و تابلوها و علائم شهری و چراغهای روشنایی و محوطه‌سازی می‌توان علاوه بر بهینه‌سازی هزینه‌های شهری، از بالا رفتن ظرفیت مناطق در جرم‌خیزی کاست [۳۵].

د: نظارت طبیعی: نظارت طبیعی به معنای توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرار گرفتن و آسانی نظارت است که امکان نظارت بر مناطق شهری را بوسیله شهروندان یا ارگانهای انتظامی فراهم می‌کند. بر این اساس این امکان فراهم می‌شود که مناطق شهری در معرض دید عمومی قرار گیرند و از ایجاد مناطق غیر قابل نظارت و به اصطلاح «مناطق کور» جلوگیری بعمل آورده می‌شود [۳۰]. این امر در طراحی فضای سبز مناطق شهری بایستی مورد توجه باشد تا از ایجاد مناطق کور با حایل‌های فضای سبز نظیر بوته‌ها و درختچه‌ها و درختان که امکان نظارت مستقیم را دشوار می‌کند، جلوگیری کرد [۳۵].

و: حمایت از فعالیتهای اجتماعی: منظور این است که این امکان فراهم شود تا برخی فعالیتهای اجتماعی در مناطق شهر ایجاد شود که علاوه بر اشتغال زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی بتوان میزان نظارت انسانی را بر مناطق افزایش داد [۲۷]. بسیاری از جرائم شهری در مناطقی روی می‌دهد که نظارت عمومی کم است و یا انسان حضور فیزیکی ندارد. در این روش تلاش می‌شود تا نوعی توانمند سازی در فعالیتهای اجتماعی صورت گیرد و در واقع به مناطق شهری و خاصه مناطقی که امکان جرم‌خیزی در آنها بیشتر است، فعالیت‌های اجتماعی و حضور افراد افزوده گردد.

در تقسیم بندی مولفه‌ها و معیارهای فضاهاى شهرى امن به هیچ یک از معیارهای اجماع شده بین المللی که در منشور این ارگان مورد توجه بوده، هیچ اشاره نشده است. چرا این مساله روی داده است؟ آیا با فهم وجود چنین تحقیقاتی و بنا به دلایلی این معیارها حذف شده یا در نظر گرفته نشده‌اند و یا این امر ناشی از عدم رجوع به همان منابع فوق‌الذکر بوده است که در هر حال، باید در ویراست‌های بعدی مورد بررسی و لحاظ قرار گیرد.

در پایان به مجموعه‌ای از راهکارها و پیشنهادات نگارنده در این رابطه اشاره می‌شود که از دید باکفایت نویسنده کتاب پنهان مانده است؛ همچنین در شرایط فعلی ایران نیز با توجه بیشتر به آنچه شرح آن در ادامه می‌آید، می‌توان میزان جرایم شهری را با توجه به موارد زیر، کاهش داد:

۱. آموزش معماری و شهرسازی: از آنجا که جلوگیری از جرائم شهری در طراحی معماری و شهری مورد توجه قرار نمی‌گیرد، می‌توان دریافت که دلیل این امر را باید در عدم آموزش اصول جلوگیری از جرائم در طراحی محیطی دانست. این امر می‌تواند تا اساتید دانشگاهی این مفهوم را در

طراحی و آموزش معماری و طراحی دانشجویان مورد توجه قرار دهند و در صورت امکان واحدهی درسی را برای آموزش و ارزیابی مفاهیم و استراتژی‌های CPTED و امنیت شهری و محیطی در نظر بگیرند.

۲. مقررات ملی ساختمان: می‌توان به این نکته اشاره کرد که در بسیاری از کشورها آیین نامه و مقرراتی برای رعایت اصول جلوگیری از جرائم در طراحی محیطی وضع شده است. بر این اساس می‌بایست آیین نامه‌ای در چارچوب مباحث مقررات ملی ساختمان تدوین شود تا همگان ملزم به رعایت اصول مربوطه گردند.

۳. روند طراحی شهری و معماری: از آنجا که روند طراحی معماری و ساختار شهری می‌بایستی جلوگیری از جرائم شهری از طریق طراحی محیطی و خلق مناطق شهری دارای پتانسیل جرم خیزی را مدنظر قرار دهد بنظر می‌رسد که معماران و شهرسازان باید در رویه طراحی در مراحل طراحی پلان و مکان یابی و طراحی سایت یا ساختمان‌های مسکونی این امر را مورد توجه قرار دهند.

۴. تقویت فضاهای فرهنگی - اجتماعی: در این راستا می‌توان از طریق ایجاد و بهره برداری مناسب از فضاهای فرهنگی ایجاد شده در مناطق شهری و محلات شهر، تلاش کرد تا مردم به فضا و مکان زندگی خویش توجه بیشتری داشته باشند. این امر تنها زمانی ممکن است که مردم بخواهند بپذیرند که شهر نیز مانند منزل مسکونی به آنها تعلق دارد و در صورت توجه بیشتر آنها است که می‌توان در طی یک حرکت عمومی و همگانی، امکان افزایش نظارت و کاهش قابلیت جرم‌خیزی را فراهم آورد.

۵. مشارکت‌سازی اجتماعی: لازم به ذکر است که تنها با مداخله مردم و شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی شهر در رویکرد شهرسازی مشارکتی است که می‌توان انتظار بهبود در وضعیت فعلی را داشت. برآستی چرا مردم نسبت به شهر خود چنین بی‌تفاوت می‌شوند؟ آیا نمی‌توان از طریق دخیل کردن ایشان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حداقل در سطوح محله‌ای، این احساس را در ایشان بوجود آورد که شهر و بالاصح محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند، به آنها تعلق دارد و تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین منازل مسکونی و محله آنها وجود ندارد یا حداقل نباید وجود داشته باشد. در هر صورت ایشان باید بپذیرند که تنها در صورتی امکان افزایش امنیت در محلات مسکونی فراهم می‌شود که خودشان به صحنه مدیریت محله‌ای وارد شوند و دوری و اجتناب و بی‌تفاوتی به محلات شهری که هم اکنون در پیش گرفته اند، جز وخیم کردن اوضاع اثر دیگری ندارد.

۶. فرهنگ‌سازی اجتماعی: از طریق فرهنگ‌سازی نیز می‌توان دیدگاه جاری مردم را نسبت به فضاهای عمومی شهری و مناطقی که در آن زندگی می‌کنند، تغییر داد و حتی آن را اصلاح کرد. رویکردهای فرهنگ مدار در سطوح مدیریتی ایران نیازمند مدارا و صبر بیشتری برای دستیابی به نتیجه مورد نظر هستند، چرا که تغییر باورها، عادات و عقاید یک ساختار اجتماعی در کوتاه‌مدت میسر نمی‌شود و می‌بایستی به حرکت‌های بلند مدت/ میان مدت اندیشید. در هر صورت باید مردم بپذیرند که تنها خودشان هستند که می‌توانند با مساعی و مشارکت بیشتر در طی حرکت‌های عمومی به بهبود ساختار بپردازند. البته نقش ارگانها و نهادهای تامین اجتماعی هم در این میان مهم است، چنانچه در طرح افزایش امنیت اجتماعی که مدتی است شروع شده و ادامه دارد، دیده شد که بعد از مدتی که ترس شهروندان از اراذل و اوباش کاهش یافت و در واقع مردم به نتیجه عملی این اقدامات امیدوار شدند، شروع به فعالیت کرده و همکاری و مشارکت عمومی گسترده‌ای به وجود آمد که نشان از این امر دارد که در صورت برنامه‌ریزی درست و بهینه، می‌توان انتظار مشارکت مناسب مردم را داشت.

۷. تدوین دستورالعمل‌های طراحی فضاهای کالبدی: شایان ذکر است حجم و فاصله میان ساختمانها (توده‌ها در فضا)، مسیرها و کریدورهای بصری، قرارگیری محل دسترسی به سایتها و مجتمع‌های مسکونی، نحوه دسترسی همگانی و حتی مکان‌یابی و استقرار کاربریها در شهر در میزان و نوع جرمی که احتمال دارد در آنها یا به‌واسطه آنها، امکان وقوع یابد، تاثیر دارد. بنابراین لازم است که آیین‌نامه و اصول طراحی کالبدی فضاهای شهری و مسکونی در رابطه با حجم ساختمانها و فاصله و نسبت میان آنها، تدوین شود. این امر در سایر کشورها و شهرداری / حکومت‌های محلی واقع در آنها صورت گرفته است. در ایران این معیارهای طراحی باید با توجه به شرایط فرهنگی و مقتضیات اجتماعی و روان‌شناختی شهروندان ایرانی مود تدوین قرار گیرند، چراکه نمی‌توان بدون توجه به شرایط و اقتضائات فرهنگی یک سرزمین، نسبت به طراحی اماکن و فضاها پرداخت که لزوم در دستور کار قرارگیری این امر در ارگانها و نهادهای مربوطه لازم به نظر می‌رسد و نمی‌توان تنها با ارجاع به یک متخصص یا تعمیم آن به کل مردم، در این رابطه نظر مشخص و جامعی داد. امید که تدوین چنین دستورالعمل‌هایی در سطح ملی به عنوان یک مقرارت ملی کلی و در سطح شهرداری‌بهای هر منطقه در سطح محلی برای انطباق بیشتر این معیارها و مولفه‌ها و ضوابط طراحی با خصوصیات و ویژگی‌های رفتاری ساکنان آن شهرستان، مورد توجه مسئولین و نهادهای وابسته قرار گیرد.

بی‌نوشت‌ها

۱. مقام معظم رهبری در این رابطه اشاره دارند که: «یک ملت برای اینکه قله‌های کمال مادی و معنوی و قله‌های عزت و شرافت را فتح کند، به امنیت و به آسوده‌خیالی از تهاجم دشمنان احتیاج دارد. بدون احساس امنیت و بدون حضور آرامش و اطمینان، در هیچ کشوری نه علم می‌تواند پیشرفت کند، نه مقامات معنوی و اخلاقی ملتها می‌تواند به آن نقطه مطلوب برسد. دنیا و آخرت را با امنیت می‌توان تأمین کرد. احساس امنیت و آسودگی خاطر زمینه ساز پیشرفت مادی و معنوی هر ملتی است. دادن احساس امنیت و آرامش و طمأنینه به مردم در زندگی، چیزهایی نیست که در نظام جمهوری اسلامی به چشم کم‌اهمیت بشود به آنها نگاه کرد. نکته دیگر این است که در کار ایجاد امنیت و دادن احساس امنیت به آحاد مردم، جنبه‌های سیاسی و جناحی و گرایشهای گوناگون و اختلاف مذهب و اختلاف قومیت و اینها، هیچ تأثیری نباید بگذارد. امنیت در جامعه مال همه است. تنها کسی باید احساس ناامنی بکند که در صدد است امنیت مردم را متزلزل کند و بر آن آسیب وارد کند. فقط او باید احساس ناامنی کند از ناحیه‌ی شما؛ و الا همه‌ی آحاد ملت با هر مذهبی، با هر دینی، با هر گرایش سیاسی‌ای، با هر سلیقه‌ای، فرق نمی‌کند؛ همه یکسانند در برابر وظیفه بزرگی که بر دوش شماست، که ایجاد امنیت است.» (سایت مقام معظم رهبری).

2. Sense of Security
3. Human Sustainable Development
4. Urban Satisfaction
5. Social Capital
6. Quality of life
7. Urban Satisfaction
8. Sustainable Development
9. Social Participation
10. National Security

۱۱. تحقیقات و مطالعات دنباله دار نگارنده [منتقد] در رابطه با مفهوم امنیت و چاپ چندین مقاله پژوهشی و کتاب در این رابطه از مهمترین مواردی است که باعث علاقه نویسنده در نقد کتاب حاضر بوده است.

12. foreword/preface
13. introduction

۱۴. مقام معظم رهبری در رابطه با مفهوم امنیت اشاره دارند که: «نگرش صحیح به مقوله نظم و امنیت، بهمراه «برنامه‌ریزی علمی»، «مدیریت قوی» و «کار بی‌وقفه»، نتایج درخشان بیشتری خواهد داشت. روحانیت باید با تفهیم و تبیین دین، مردم را به آرامش روحی، امنیت روانی و قلبی، و عدالت اجتماعی و تأمین سعادت دنیا و آخرت بشارت دهد و آنها را از پیامدهای عمل نکردن به دین خدا انذار کند. مسؤولیت روحانیان را در پاسخ دادن به سوالات، ابهامات و اقتضاهای گوناگون دنیای امروز، خطیر است. عمل به این وظایف، در گرو تأمین نیازهای جدید

و آگاهی به معارف گسترده‌ای است که آشنایی به وضع امروز جهان و تبیین «فلسفه وجودی نظام اسلامی و نیاز بشر به حکومت دینی» از جمله آنها به شمار می‌آید» (سایت مقام معظم رهبری).

15. Human Security Research and Outreach Program ۲۰۰۶ ،
16. Vancouver Working Group
17. The World Urban Forum, ۲۰۰۶
18. Secure City
19. UN- Habitat ,s Safer Cities
20. Urban Sociology Laboratory
21. Heiken ،Valentine ۲۰۰۴ ،
22. Terrorism
23. Energy Security
24. Urban Security
25. Economic and Social Council
26. United Nation
27. Government ,Peace and Security
28. National Center for poverty in Children
29. Economic Security ،Urban Women and Social Security ۲۰۰۵ ،
30. Maxwell, ۲۰۰۰
31. Natural Surveillance
32. Richard G. Little ۲۰۰۴ ،

۳۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. لینچ، کوین (۱۳۸۷) *تئوری شکل خوب شهر*، ترجمه: سید حسین بحرینی،

انتشارات دانشگاه تهران

۳۴. برای اطلاعات بیشتر ر.ک بنتلی، یان (۱۳۸۲) *محیط‌های پاسخ‌ده*، ترجمه: ، مصطفی بهزادفر ، تهران،

مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

۳۵. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.

- Punter, J and Carmona, M (۱۹۹۷) *The Design dimension of Planning/E*
& FN SPON

۳۶. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.

- Carmona ،M (۲۰۰۳) *Public places ،Urban spaces*. Architectural press
37. The Context for Actions
38. The Kit of Parts
39. The Causalities
40. Landscape
41. By Design
42. Commission for Architecture and the Built Environment
43. Department of the Environment ،transport and the Regions

44. Cleanliness
45. Accessibility
46. Attractiveness
47. Comfort
48. Inclusively
49. Vitality and Viability
50. Functionality
51. Distinctiveness
52. Safety and Security
53. Robustness
54. DETR (۲۰۰۰) By Design 'Urban design in Planning System: towards better practice 'Commission for Architecture & Built Environment 'London.
55. Applyard
56. Responsive Mode
57. Operational Mode
58. Inferential Mode
59. Ralph
60. Place and Placeless ness

منابع و مأخذ

در پایان به منابعی چند در این رابطه اشاره می‌شود که در متن مقاله به آنها اشاره شده یا می‌تواند به‌عنوان کتاب‌شناسی مورد توجه خوانندگان و علاقمندان به مقوله امنیت در شهر باشد:

1. J. Q. Wilson and G. L. Knelling (1982) *Broken Windows* 'The Atlantic Monthly 'March, 1982 pp.38-29.
2. C.R. Jeffery, (1971), *Crime Prevention through Environmental Design* ' Beverly Hills 'CA: Sage Publications 'pp.54-87
3. T.D. Crowe (1991) *Crime Prevention through Environmental Design* ' Stoneham 'MA: Butterworth-Heinemann 'pp.87-95.
4. Dan Fleisher and Fred Heinemann (1996) *Crime prevention Through Environmental Design and Community policing* 'Washington 'DC: US Department of Justice 'August 1996 pp. 34-41
5. M.S. Smith (1996) *Crime Prevention through Environmental Design in Parking Facilities* 'Washington 'DC: US 'Department of Justice 'National Institute of Justice 'pp 87-97
6. J. Jacobs(1961) , *The Death and life of Great American Cities* 'New York ' NY: Vintage Books.

7. O. Newman (1972) *Defensible Space: Crime Prevention through Environmental Design*" 'New York 'And NA: Macmillan .
8. B. Payne (1983) *Design against Crime: beyond Defensible Space*" 'London: Butterworth's .
9. P. J. and P. L. Bran Ingham (1918) ed. 'Environmental Criminology" 'Beverly Hill 'CA: Sage 'pp 45-67
10. J. Q. Wilson and G. L. Knelling (1989) *Making Neighborhoods Safe*" 'the Atlantic Monthly 'February 1989 pp. 52-46
11. City of Edmonton Planning and Development (1995) *Design Guide for a Safer City*" 'Edmonton
12. City of Tucson (2003) *Development Standard*" 'No. 14-0-2. Crime Prevention through Environmental Design
13. City of Virginia Beach CPTED Committee (2000) *CPTED - General Guidelines for Designing Safer Communities*" 'Virginia Beach 'Virginia
14. City of Durham County (2004) CPTED: *Durham Guide to Creating a Safer Community*" 'Durham County 'North Carolina.
15. Crowe 'T. (2003) *Advanced Crime Prevention through Environmental Design*" '(Seminar notes) 'American Crime Prevention Institute 'Louisville ' Kentucky 'pp. 33-67
16. Geason 'S. and Wilson 'P.R.(1989) ," *Designing out Crime* " 'Australian Institute of Criminology 'Canberra
17. Government of South Australia (2002) *Crime Prevention through Environmental Design and Urban Design*" 'Adelaide 'Australia
18. Lismore City Council (2000) *Development Control Plan*" 'No .43 –CPTED ' Lismore 'Australia
19. National Crime Prevention Council (U.S.) (1997) *Designing Safer Communities*" 'CPTED Handbook 'NCP (U.S.) 'Washington D.C
20. office of Planning 'Baltimore County (2000) *Comprehensive Manual of Development Policies*" ; 'Division VI 'Section H (CPTED). Baltimore County ' Maryland
21. Plaster 'S. and Carter 'S (1993) *planning for Prevention* :Sarasota 'Florida's Approach to CPTED 'Florida Criminal justice Executive institute 'Tallahassee ' Florida.
22. Smith 'M. S (1996) *Crime Prevention through Environmental Design in Parking Facilities* 'National Institute of Justice 'Washington D.C.
23. Kruger 'T. 'Landsman. K. 'Liebermann 'S (2000) *Designing safer places: A manual for crime prevention through planning and design* ."Pretoria: The South African Police Service and the CSIR.
24. Meyer 'T & .Qhobela 'M (1998) *The history of crime prevention through environmental design: A comparative study* ". Pretoria :CSIR.

25. Napier ،M. ،du Plessis ،C. ،Liebermann ،S. ،Kruger ،T ،Shaw ،M. ،Louw ،A. ،Oppler ،and S (1998) Environmental Design for Safer Communities in South Africa" ،Pretoria: CSIR.
26. Timothy D. Crowe (2000) Crime Prevention through Environmental Design" ،National Crime Prevention Institute ،pp 46-74.
27. Designing Safer Communities: Crime Prevention through Environmental Design Handbook (2003) (National Crime Prevention Council) ،www.ncpc.org(
28. Crime Information Analysais Centre (2000) Crime Statistiques.[on-line]: http://www.saps.org.za/^_crimeinfo/bulletin/index.htm
- ISS (2001) Ned bank Isis Crime Index ،Volume (20001) Number ،'January – February.[online]:[http: //www.iss.co.za / Pubs / Crime %20 Index/ No.%20% 202001 /World.html](http://www.iss.co.za / Pubs / Crime %20 Index/ No.%20% 202001 /World.html)
- 29.Kruger ،T ،Meyer ،T ،Napier ،M ،Pascolo ،E ،Qhobela ،M ،Shaw ،M ،Oppler، S ،Niyabo ،L ،and Louw A (1997) Safer by Design – Towards effective crime prevention through environmental design in South Africa ،CSIR ،Pretoria .
30. Landsman ،K. (2000) An Overview of Enclosed Neighborhoods in South Africa ،CSIR ،Pretoria .
31. Napier ،M ،du Plessis ،C ،Liebermann ،S ،Kruger ،T ،Shaw ،M ،Louw ،A ،and Oppler ،S (1998) "Environmental Design for Safer Communities ،CSIR ،Pretoria .
32. [www. NICP.net](http://www.NICP.net)
33. [Www. NCPC.org](http://Www.NCPC.org)
34. www.CPTEDONTARIO.ca
35. www.CPTED.net
36. Gronland ،B (2000) "Towards the Humans City for the 21st Century" ،Stockholm.
37. Cozens،P ،D.Hiller and G.prescott (2001) Crime and the design residential Property – Exploring the Theoretical Background” ،Journal of Property Management،Vol.19،Issue 2،PP. 164-133
38. Wekerle،M and Whitzman،R (1995) Safe Cities: Guidelines for Planning ،Design and Management” ،Van Nostrand Reinhold ،USA..
39. Petrella ،Laura (2004) “Urban Space and Security Policies :Between Inclusion and Privitilization” ،UN Habitat ،WUF ،Barcelona ،Spain.

